

شاید خرگوش ندیدید؟!



نویسنده: جمشید خانیان
ناشر: فاطمی
تعداد صفحه: ۹۱
سال انتشار: ۱۳۹۸



تصورش را بکنید، در یک شب آرام برای خودتان در اتاق نشستید و می‌خواهید داستانی بنویسید. چه لحظه‌ای بهتر از این! آقای نویسنده هم همین فکر را می‌کرد. با اینکه داستانی که قرار بود بنویسد، یک داستان تلخ واقعی بود، اما در دنیای خوش خیال سیر می‌کرد.

او عادت داشت موقع داستان نوشتن، مارپیچی حلزونی روی کاغذ بکشد. این کار کهک می‌کرد ذهنش متمرکز شود و شخصیت‌ها و اتفاقاتی که در داستان شکل بگیرند. اما درست در همان لحظه‌ها که غرق در فکر بود، ناگهان چیزی بیرون پرید و ناپدید شد. آقای نویسنده اطراف اتاق را خوب نگاه کرد، اما چیزی ندید. بنابراین کوشید یک منحنی مارپیچ دیگر بکشد و دوباره ذهنش را متمرکز کند تا داستانش را شروع کند. اما باز وقتی در عالم داستان غرق شد، چیزی بیرون پرید. انگار امشب شب نوشتن نبود!

حالا یک پسر نوجوان سیاه سوخته با موهای فر فری و چشم‌های درشت در تاریکی ایستاده بود و به او نگاه می‌کرد. بعد خیلی مؤدبانه پرسید: «شاید یک خرگوش گوش شکلاتی ندیدید از اینجا رد بشود برود؟»

این دیگر چه سؤالی بود؟! چرا یک خرگوش باید از خانه آقای نویسنده رد شود و چرا یک پسر نوجوان فکر می‌کند می‌تواند خرگوشش را در خانه یک نویسنده پیدا کند؟

«ادسون آراننتس دو ناسیمنتو و خرگوش هیالیایی اش»، روایتی از یک واقعه تلخ تاریخی است که با خیال آمیخته شده است. در این داستان که طی یک شب اتفاق می‌افتد، شخصیت «آقای نویسنده» با نوجوانی خودش روبه‌رو می‌شود و با او شبی متفاوت را می‌گذراند. نویسنده در این کتاب به کمک فن (تکنیک) «تداخل زمان» توانسته است فضایی پیچ در پیچ بسازد. به علاوه، اینکه ماجرا در شب اتفاق می‌افتد نیز بر رازآلود بودن فضا افزوده است.

داستان ادسون آراننتس دو ناسیمنتو و خرگوش هیالیایی اش کوتاه است. اما این کوتاهی به شخصیت پردازی آن آسیب نزده است و شخصیت‌ها چنان ملموس‌اند که انگار آن‌ها را از مدت‌ها قبل می‌شناسیم. حوادث پشت هم اتفاق می‌افتند و داستان بی‌دلیل طولانی نمی‌شود. همین موضوع باعث می‌شود مخاطب راحت‌تر با آن ارتباط بگیرد و سیر سریع وقایع او را تشویق می‌کند تا داستان را ادامه بدهد.

پس اگر تصمیم گرفته‌اید کتابی کم حجم و در عین حال جذاب را برای خواندن انتخاب کنید، کتابی که بتوانید آن را یک باره بخوانید، ادسون آراننتس دو ناسیمنتو و خرگوش هیالیایی اش انتخاب خوبی است. شاید هم وارد داستان بشوید و ببینید این پسر نوجوان با آن

اسم منحصر به فردش چه ماجراهایی را با آقای نویسنده رقم می‌زند.

